

خمینی شدن از نگاه یادگار امام

□ دکتر منوچهر اکبری
(استاد دانشگاه تهران)

تاریخ تشیع به خصوص پس از غیبت کبری آخرین ذخیره امامت، حضرت نور، امام مهدی (عج) با حضور مجتهدین و مفسرین، فقیهان و مراجع سترگ و بزرگ استمرار داشته است. شیعه بزرگانی از علمای طراز اول و بعضاً بی مانند را به خود دیده است. آنان که هر یک رُکنی از ارکان تداوم و بقای فقه، کلام، تفسیر و رجال و عرفان شیعه بوده اند. کسانی که از منزلتی والا برخوردار بوده و از تقفه و درک احکام خدا، از حسن خداداد برخوردار بوده اند، و از آن میان زعمایی چون شیخ طوسی، شیخ انصاری، صاحب جواهر و... ملاصدرای شیرازی را می توان نام برد. در عصر جدید نیز مراجع و علمایی چون آیت الله بروجردی را نمی توان قدر ندانست و بر صدر نشانند. در بررسی تطور فقه و به خصوص اجتهاد هر آنچه در سیزده قرن سپری شده است را از جهتی می توان در یک کفه قرار داد- با تمام عظمت، غنا، عمق آثار و برکات و ثقل و وزنی که دارد- و از خرداد ۱۳۴۲ تا خرداد ۱۳۶۸ یعنی ۲۶ سال را در یک کفه. صاحب این قلم، هرگز بر سر آن نیست که سیزده قرن پرفراز و نشیب از تاریخ تشیع را با بیست و شش و یا حتی ۹۰ سال برابر بنهد، فقط این مقایسه و توزین را از آن جهت متذکر می شود که بگوید در هر آنچه تا قبل از نهضت امام بوده است غلبه با حکم و اجتهاد و فتوا داشته است. بدین معنی که فقهای عزیز پیشین،



در پی پیاده کردن نظامی نبودند که در آن، احکام صادره از سوی آنان یا سایر فقها و مراجع بزرگ، جنبه و وجهه اجرایی و عملی بیابد. حداقل اینکه درصدد برپایی حکومت و نظامی نبودند که بر مبنای احکام اسلام و اهداف و آرمان‌های حضرت رسول(ص) باشد. اگر در شرایط خاص تاریخی که حکومت و نظام جاری اندکی به برخی از علما توجه می‌کرد و از آنان در موارد بسیار خاص، نظری اخذ می‌شد، آنان هم به اجتهاد یا صدور حکم قانع بودند و برخی حتی دلخوش بودند که حکمشان در آن زمینه خاص اقرب به احکام الهی و استنباطشان اصح درک و به اصطلاح دقیق‌النظرند، نسبت به دیگر مراجع. برخی هم در طول تاریخ، در اثر یک برداشت اشتباه، تشکیل حکومت و دخالت در امور اجرایی - حکومتی را دون شأن فقیه و مجتهد و مرجع می‌دانستند. در طی تاریخ، این ذهنیت شکل گرفته بود که پاپ حکم صادر می‌کند قیصر کشور اداره می‌کند. یا حاکم حکومت می‌کند، فقیه هم مسائل شرعی و شخصی افراد را پاسخ می‌دهد. این بهترین وضع و شرایط تلقی می‌شد. شاید هم شکوفایی و بالندگی فقه را در این می‌دانستند که هرکس راه خود را برود. یعنی نه فقیه کاری به پادشاه داشته باشد و نه پادشاه یا حاکم در امور دینی دخالت کند. اتفاقاً سرمنشأ انحراف همین جاست که این دو راه خودشان را بروند. جالب این است که اگر قرار بود، یکی بر دیگری پهلوی بزند، فقیه بود که می‌توانست به حاکم، والی، پادشاه پهلوی بزند، زیرا فقیه به احکام دین مسلط بود ولی پادشاه یا حاکم که تخصص و توان و علم دین نداشت. اما افسوس که تغییر نگاه و نگرش برای برخی از مراجع و فقهای عزیز ما اگر معادل تاریخ و دورانی که بی‌طرفی شکل گرفته بود، زمان نمی‌خواست، حداقل چیزی معادل آن فرصت می‌طلبید. از این نظر است که باید گفت: امام توانست ره صد ساله را یک شبه طی کند و نگاه شکل گرفته و موروثی به اجتهاد و مأموریت بسیار محدود و جدولی و بسته فقها را بازتعریف کند و بدانان جرأت بدهد. آنان را به خود آورد. سخت‌تر از همه، آنان را به صحنه دعوت کند. که در تشکیل و برپایی نظامی بر مبنای احکام الهی و سنت نبوی و فقه جعفری و جواهری، باید تلاش و حرکت کرد. متقاعد کردن علمایی میراث‌بر آنانند که سیزده قرن راه خودشان را رفته و در سایه حضور داشته‌اند، از هدایت و سختی راهبرد یک انقلاب، صعب‌تر، مشکل‌تر، شکننده‌تر و پیچیده‌تر است. امام

خمینی(ره) تنها کسی بود که توانست با تمام سختی‌ها، مقاومت‌ها، مخالفت‌ها، کارشکنی‌ها، تهمت‌ها، جفاها، نیش و کنایه‌ها به این مهم دست یابد. امام نه بزرگ‌ترین فقیه تاریخ تشیع است و نه اعظم مراجع تاریخ اسلام، اما از جهتی، امام از همه مراجع، علما و فقها برتر است. ما در پی اثبات این برتری و رجحان هستیم والا حضرت امام در برابر یک کلمه ساده و ابجدخوان هم تواضعی داشت که حیرت همگان را برمی‌انگیخت. با ذکر این مقدمه طولانی که به جهت اهمیت موضوع اجتناب‌ناپذیر می‌نماید به بررسی برخی از زوایای شخصیتی حضرت امام از دیدگاه نزدیک‌ترین یار خویش، یار همراه خود در جلوت و خلوت، فرزند بزرگوارشان، حاج احمدآقا می‌پردازیم. فرزندی که به‌واقع خداوند در ایشان اخلاصی قرار داده بود، که اگر نبود آن اخلاص و از خودگذشتگی و محو شدن در امام و حل شدن در آن پیر راه‌دان و اطاعت کامل و مشخص از پدر و مرشد و مراد و امام خویش، چه بسا سال‌ها باید تاوان یک خطای مشاورِ خدای نکرده، مسئله‌داری را پس می‌دادیم. و مگر نبود بیت یا دفتر افرادی در روزگار ما که برخی مارهای خوش خط و خال و مارمولک‌های هفت‌رنگ در آنجا نفوذ کردند و آتش‌بیار معرکه شدند و آن دفتر یا بیت را به کانون توطئه و مخالفت با امام و اسلام و انقلاب و خوش‌خدمتی به منافقین و ضد انقلاب‌ها و بیگانگان کردند. در صلابت، سلامت، صداقت و اخلاق مرحوم حاج احمدآقا، همین بس که بیت امام به‌خصوص دفتر حضرتشان از پاک‌ترین، سالم‌ترین و بی‌مسئله‌ترین دفاتر مراجع و فقها در طول تاریخ بود. دقت شود که مأموریت و مسئولیت و نقش امام و اطرافیان و دفتر و بیت ایشان با دیگر مراجع به هیچ عنوان قابل مقایسه نیست. دفتری که کوچک‌ترین موضع‌گیری‌اش بعضاً چشم تمام جهان را معطوف به خود می‌کرد، دفتری که صدور یک اطلاعیه یک سطری از آن، در تصمیم‌گیری‌های کلان کل کشور نقش راهبردی داشت. دفتری که صدور حکم از سوی آن برای هر فرد می‌توانست به حیات اجتماعی، سیاسی آن اصالت، مقبولیت، محبوبیت، حقانیت بخشد یا خدای ناکرده او را از گردونه سیاست و اجتماع و حتی اجتهاد ساقط کرده، به فراموشی، انزوا، سایه و حتی حاشیه کامل براند. دفتری که یک جمله از آن می‌توانست در روزهای جنگ کارآمدتر از هزاران هزار، تجهیزات پیشرفته نظامی باشد. زیرا حکمی که از سوی امام مثلاً برای



□ امام توانست ره صد ساله را یک شبه طی کند و نگاه شکل گرفته و موروثی به اجتهاد و مأموریت بسیار محدود و جدولی و بسته فقها را باز تعریف کند و بدانان جرأت بدهد

ادامه جنگ تا آزادسازی خرمشهر یا ایران اسلامی و مناطق اشغالی صادر می‌شد، برای رزمندگان و فرمانداران و مسئولان یک تکلیف شرعی بود و برای اجرای آن حکم افرادی به شهادت می‌رسیدند. اگر نبود آن عشق الهی که بین امام و امت، امام و رزمندگان و فرماندهان رقم خورده بود، بسیاری از مأموریت‌ها و موفقیت‌ها و پیروزی‌ها امری ناممکن بود. جان تازه‌ای که فقط با یک عبارت امام در کالبد نیروهای رزمنده و بسیجیان دلباخته امام دمیده می‌شد، از وجود هزاران تانکر و توپ و... اثربخش‌تر بود. ایکاش امکان داشت به شیوه‌ای علمی و مستند قابل ارائه، اثرات روحی و تقویتی فقط این ۲ جمله معروف امام عزیز را روی نیروهای سپاه و بسیج نشان داد تا مدرکی باشد بر مدعای صاحب این قلم، که رمز پیروزی ما هم در انقلاب و هم در جنگ امکانات پیشرفته و تجهیزات مدرن نظامی نبود، بلکه پیوند قلبی، روحی، ایمانی و اعتقادی بود که بین فرمانده کل قوا، امام عزیز، با نیروهای رزمنده برقرار بود و آن دو جمله مورد نظر عبارتند از:

۱- ایکاش من هم یک پاسدار بودم. (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۹۶)

۲- من به دست و بازوان شما که دست خداوند بالای آن است بوسه می‌زنم و بر این بوسه

افتخار می‌کنم. (همان، ج ۱۶، ص ۱۴۳)

برگردیم سر اصل مطلب:

حجت الاسلام و المسلمین حاج احمد آقا از سیره عملی امام برای اداره کشور اصولی را

استخراج کرده و برشمرده که همیشه به کار می‌آید و هرگز مشمول مرور زمان نمی‌شود. از آن جمله‌اند:

۱- مجامله و سکوت در برابر کژی‌ها و کاستی‌ها مقدمه رشد افراد مجامله‌گر است (مجموعه

آثار یادگار امام، ص ۳۵۷).

این نکته بسیار مهم است که مدیر، مسئول، رئیس و یا سرپرست هر دستگاه، سازمان، اداره، نهاد و یا پستی باید بدان توجه کند که افرادی حتی در آغاز نه با برنامه خاص که به جهت نوع اخلاق و خصلت شخصی به تعریف و تمجید و مداهنه و مجامله مقام مافوق می‌پردازند. چه بسا با هدف بزرگ کردن مافوق باشد که در درازمدت از این تعاریف بهره‌ای نصیبشان شود. اگرچه نمی‌توان فرد مجامله‌گر را چندان مقصر دانست، زیرا آن با نگاه و نیت و اهداف خویش در راستای نظر و منویات خود به تعریف و تمجید می‌پردازد، مهم مسئولی است که نباید بدین کار بهاء بدهد. کم نبودند در روزگار، اشخاصی که روزهای نخست بی‌پیرایه و ساده و رها از تعلقات و تکلف‌های دنیا فریب، شروع کردند، اما اندک‌اندک و گام‌به‌گام، تعاریف و تمجید و مدانه و مجامله و تملق در کامشان خوش آمده است. یادمان باشد که وقتی نمایندگان اولین دوره مجلس شورای اسلامی به دیدار حضرت امام رفتند در همان دیدار خطیب نامور مرحوم فخرالدین حجازی در مدح و تعریف و تمجید امام شعری را شروع کرد، هنوز در طلیعه سخن بود که امام به صراحت از ادامه آن جلوگیری کرد. شاید برخی را هم چندان به مزاج خوش نیامد، که بهتر بود امام می‌گذاشت ایشان شعرشان را بخواند و بعداً در خلوت به آقای حجازی تذکر می‌داد. از نظر برخی، در برابر دیگران و به قول بیهقی بر سر خلق به او تذکر دادن چه بسا مناسب نبود. اما امام با این سرعت و صراحت از باب شدن و جا افتادن یک سنت بد تاریخی و حتی تکرار ملال‌آور آن جلوگیری کرد. سنتی که قبل از امام بر سر ادبیات فارسی، سایه طولانی و درازدانی دارد و آن مدح و مداهنه است. امام دقیقاً می‌دانست که اگر با ظرافت عمل نکند، فردا هزاران شاعر در مدح او شعر می‌گویند، و دیوان‌ها و دفترها بیارایند خوبان را اما جلوگیری کرد، تا به ما درس بدهد که ما همه بنده خداییم. فرد مسئول، در برابر خدا پاسخگوتر است و مسئولیت سنگین‌تری را بر دوش دارد. در عین حال که امام خود اهل شعر و ادب بود و طبعی دقیق و ذوقی لطیف داشت، اما از ثناگویی و تعریفی از آن دست مبرا بود. هم نمی‌خواست فرهنگ شود به خصوص که به خوبی به

□ حجت الاسلام والمسلمین حاج احمد آقا از سیره عملی امام برای اداره کشور، اصولی را استخراج کرده و برشمرده که همیشه به کار می آید و هرگز مشمول مرور زمان نمی شود

گذشته ادبی ایران و حضور شاعران درباری که در تمویه و توجیه درد و رنج مردم استاد مسلم بودند. شاعرانی که برای به دست آوردن صله و انعام به تعبیر و اصطلاح رایج بلندگوی پادشاه و حاکم و اطرافیان و ارباب قدرت بودند.

۲- انتقادپذیری. مرحله ای کامل تر از این اصل پیشین است؛ نه تنها نباید مداهنه و ثناگویی را اصالت داد، بلکه باید در جامعه امکان و زمینه انتقاد و بیان قوت و ضعف مسئولان، فراهم شود. البته یادآوری این نکته ضروری است که تعاریف و اصول و شرایطی که امام برای نقد و نظر دارند کاملاً با دیگران و شیوه رایج در دنیا متفاوت است، همانطور که تعاریف و مصادیق امام از فرهنگ، هنر، آزادی، ورزش، سینما و... با دیگران فرق می کرد. یادگار حضرت امام علاوه بر بیان صادقانه نقاط ضعف به طرح امیدبخش نقاط قوت هم تأکید دارند:

«اگر زمینه انتقادات صادقانه در جامعه وجود نداشته باشد، نقاط قوت و ضعف مسئولان در پرده ای از ابهام می ماند و مردم با این رشد بالای سیاسی که دارند متوجه مسئله می شوند. وقتی مردم نقطه ضعف را فهمیدند و دیدند که مسئولان بدان توجهی نکرده اند، آن وقت آنان را نادان فرض می کنند. این بهتر است که همه مسئولان را نادان فرض کنند و یا نقاط ضعف هرچه باشد، با صداقت بیان گردد و روی آنها بحث شود؟ ما باید همه، این را بپذیریم که هیچ کس مطلق نیست. مطلق خداست، همه کم و بیش اشتباه می کنند. باید عیبها و ایرادها را دوستانه گفت و راه درست را از نادرست مشخص کرد.» (همان، ج ۱، ص ۳۵۷)

در همین عبارت از یادگار امام برخی از اصول ارزشمند و مدیریت کلان کشور و نکاتی

ظریف از سیره حکومتی امام نهفته است. درس‌هایی که موردی نیستند، فرا زمانی‌اند. بدین معنا که می‌توان این تجارب و احکام را همیشه به کار بست، در خانواده، در اجتماع، در محیط کار، در سازمان‌ها، در اداره‌ها، در فرهنگ و در سطوح مختلف. نخست اینکه انتقاد ضروری است، انتقاد لازمه حیات، بقاء، رشد، بلوغ و تکامل یک جامعه است. انتقاد در تمثیل کشاورزی نوعی حرس کردن است. باغبانی است، محافظت است، دلسوزی است، دردمندی است، آرزو است و احساس مسئولیت در زمینه جامعه و دین، نظام، مردم و مسئولان. دوم اعتقاد راسخ به بلوغ فکری مردم داشتن، به رشد بالای سیاسی مردم اقرار کردن، به اینکه ملت ایران از لحاظ شعور اجتماعی - سیاسی ملتی بزرگ و فرهیخته است، ملتی که چشمانی باز، نگاهی نافذ، تفکری خلاق و بارور و بهره‌مند از بصیرت بالای سیاسی و معرفتی است. ملت ایران در جریان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و مشکلات گوناگون داخلی طی سی سال گذشته، آبدیده و کارکشته و خبیر و روشن بین و صاحب‌نظر شده است. هم در ذات خویش از جوهره معرفتی قابل توجهی بهره‌مند بوده است و هم خداوند، رهبری بدین ملت عطا کرده است که خود نعمت عظمای الهی و استثناهای تاریخ در جهان بوده است. رابطه امام و مردم مصداق عینی این اشعار از حافظ شیرین سخن است.

ای بی‌خبر بکوش که صاحب‌خبر شوی / تا راهرو نباشی کی راهبر شوی

در مکتب حقایق پیش‌ادیب عشق / همان‌ای پسر بکوش که روزی پدر شوی

وقتی خداوند ملتی را یاری کرد، اراده الهی بر آن قرار گرفت که امتی را بیدار کند، جان بخشد، معرفت عنایت کند و آن ملت هم خود را لایق آن عنایت ربّانی کرد اسباب معرفت، برای بلوغ این ملت، فراهم گشت، خدا هم رهبری مدیر، مدبر، عارف، فقیه، شجاع، مبارز، عالم، خودساخته و پاک در گنجینه خاص تربیت کرد، مصداق واقعی و عینی این کلام خدا خواهند شد که: ان تنصرو الله ینصروکم و یثبت اقدامکم. البته این همه نعمت و لطف یک‌شبه فراهم نمی‌آید. سال‌ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب لعل‌گرد در بدخشان یا عقیق اندر یمن





یادگار امام مرحوم حاج احمد آقا در کلاس درس مردم‌شناسی امام بزرگ شده است. امام به‌واقع و نه از سر هیچ هدف دیگر فقط از سر اعتقاد قلبی، در برابر مردم بزرگ ایران، مردم موحد و خداپرست ایران تواضع می‌کرد. وقتی می‌فرمود: این مردم ولی نعمت ما هستند، مردم شریک دولت هستند، مردم عامل پیروزی‌اند، مردم سرمایه علمایند، مردم محافظ دولت و مجلس‌اند، مردم حلال مشکلاتند، مردم در صحنه‌اند، مردم شهادت‌طلبند (صحیفه امام، ذیل مردم). از میزان شناخت فوق‌العاده قوی و دقیق امام از امت خویش خبر می‌داد.

یادگار امام تحت تعلیم شیخ و پیر و مراد خویش، حضرت امام بدان درجه از شناخت رسیده بود که به مسئولان هشدار دهد که «مردم نقاط ضعف را می‌فهمند» این در حکومت‌داری اصل بسیار مهمی است. اگر سران دولت‌ها و کشورهای دیگر جهان بدین مرحله و درجه از شعور سیاسی می‌رسیدند، از بسیاری مشکلات و معضلاتی که امروز با آن روبرویند خلاص می‌شدند. وقتی حاکم یا امیر یا سلطان یا رئیس جمهوری معتقد بود که او عقل کل است. کانون معرفت و

مدیریت و دانش و شعور سیاسی است و مردم در برابر او ضعیف و نادان و در سطح پایین تر قرار دارند، این اولین منزل و وادی سقوط و مهلکه اوست. امروز کشورهای مسلمان به نوعی آگاهی رسیده‌اند که مردم ایران بیش از سی سال قبل بدان رسیده بود. مردم مصر و عمان و تونس و... تازه دریافته‌اند که امرا و حکامی که بر آنان حکم می‌رانند، چه کسانی هستند. امام از همان آغاز نهضت یعنی خرداد ۱۳۴۲- با مردم حرف زد چون با مردم مأنوس بود، مسائل را با مردم در جریان گذاشت و تا مردم حرکت نکردند نهضت موفق نشد و در ادامه هم هنر بزرگ امام در صحنه نگهداشتن و حضور همیشگی مردم بود که انقلاب را از هرگونه انحراف و کژروی بیمه کرد. مسائل داخلی، قومیت‌ها- گروهک‌های سیاسی، تفکرات التقاطی، و مهمتر از همه جنگ تحمیلی و پیچیده‌تر از هر مسئله قرائت‌های متحجرانه و ارتجاعی یا بسته و انسدادی از احکام دین و تلقی‌های افراطی را با همین مردم به تعبیر خودشان «الهی شده» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۰۸) در جریان می‌گذاشت و با حضورشان هر مانعی را از سر راه برمی‌داشت. هرگز به این راهبرد فوق‌العاده استثنایی امام از سر دقت و تدبیر نیندیشیده‌ایم که امام هرگز برای حل مشکلات متکی به نیروی اسلحه یا نظامی نبود. حتی جبهه‌های جنگ را در درجه اول با حضور گسترده و بسیج مردم گرم می‌کرد تا با پشتوانه تجهیزات و سلاح‌های مدرن و پیشرفته.

نکته بسیار دقیقی که از بعدی در حیطه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، جزء اصول تدبیر مُدُن قرار می‌گیرد، این است که اگر مردم را نادان فرض کنیم، درحالی که کاملاً آگاهند در نهایت ضرر این تصور غلط به مسئولین غلط‌اندیش برمی‌گردد. شاید به ظاهر، مردم شناخت و عقیده و نظرشان را درباره مسئولین صریح و سریع بیان نکنند، اما وای به روزی که مردم در لاک خود فرو روند. وای به روزی که مردم بدانند که ما راه اشتباه می‌رویم. بدانند که در ما خدای ناکرده ناخالصی وجود دارد. در ما صداقت اندکی رنگ باخته است. در ما نگاه استکباری شکل گرفته است. اگر مردم برسند به اینکه مسئولان آنها را نادان فرض کرده‌اند، روزی خشمشان فوران خواهد کرد و آن روز است که «نه از تاک نشان ماند و نی تاک نشان».

به تعبیر یادگار امام اگر واقعاً دچار این توهم نشدیم که بی‌عیب و نقصیم، یا به دیگر سخن



خود را برای قبول و پذیرش انتقاد آماده کردیم، برای تعالی خود و جامعه راه درست را در پیش گرفته‌ایم. اشاره شد به نکته روان‌شناسی و جامعه‌شناسی اجتماعی. سال‌ها طول می‌کشد تا کسی بتواند در دل مردم جای باز کند. سختی‌ها، مشتقات، اخلاص، ایثار، صداقت و ده‌ها نکته و جوهره دیگر لازم دارد تا مردم کسی را به امامت و رهبری برگزینند. یا در سطح پایین‌تر آن مع‌الواسطه مسئولیتی از جمله ریاست جمهوری، مجلس، قانونگذاری، قضاوت، وزارت، مدیریت و مانند آن را به کسی بسپارند. اگر کسی که ده‌ها سال خودسازی کرده است، سختی کشیده است، خون دل خورده است، حتی احساس کند که اگر در مسئولیتی قرار گرفت از دیگران برتر است و خدای ناکرده گرفتار تکبر و خودبزرگ‌بینی یا تفاخر شود. هر آنچه کشته است بر باد داده است. یادگار امام برای روزنامه‌ها و وسایل ارتباط جمعی وظیفه خطیری تعریف کرده است و آن «بیان حق و حقیقت با روشنی و صراحت لهجه برای مردم و نیز پرهیز از ثناگویی بیهوده و مجامله» (مجموعه آثار یادگار امام، ج ۱، ص ۳۵۷).

نکته ظریف دیگری که در کنار این شیوه و سیره و مسئولیت، یادآور می‌شوند این است که «هر کس که در بیان عیب‌ها و نقایص کوتاهی کند، از حقیقت‌گویان مجال ابراز عقیده را خواهد گرفت» (همان، ص ۳۵۷)

درس دیگر برای مسئولان، پرهیز از وعده‌های دست‌نیافتنی، و کاذب است. اگر همانگونه که سیره امام بود، حقایق تلخ و شیرین به مردم گفته و از شعار و بزرگ‌نمایی دوری شود، این مردم گره‌گشای همه مشکلات خواهند بود. اما اگر گفتیم فردا یا فردایی نزدیک، فلان کار انجام می‌پذیرد و نپذیرفت، فلان مشکل حل می‌شود و نشود، فلان گره باز می‌گردد و نگرديد، اندک‌اندک اعتماد مردم از ما و در درازمدت از نظام سلب می‌شود. نکته بسیار مهم و اساسی دیگر اینکه، یادگار امام ایستادگی عجیبی بر روی آرمان‌های مقدس امام و انقلاب داشتند. یعنی حاضر نباشیم به هر قیمتی حتی به فلان هدف مورد نظر برسیم. برخی از ساده‌لوحان بلافاصله می‌گویند، یعنی دچار مصلحت بشویم؟! در دام مصلح‌اندیشی گرفتار شویم؟! حقیقت را فدای مصلحت کنیم؟! و تعبیری از این نوع. در حالی که خود مصلح‌اندیشی و سیاست در تدبیر مُدُن

یک اصل است. بسیاری از انقلابیون یک‌بعدی و افراطی، چه بسا همه زحماتشان برباد رفته فقط به خاطر اینکه در برهه‌ها، عقبه‌ها و تنگناهایی، می‌بایست با مصلحت و تدبیر عمل می‌کردند و تصمیم می‌گرفتند، در شرایط پس از پیروزی هم با زبان اسلحه حکم راندند و دیدیم دولتشان خوش درخشید، ولی دولت مستأجل بود.

امروز وقتی با درنگ، تأمل، حوصله و باریک‌بینی به برپایی برخی از ارکان اداره کشور از سوی حضرت امام می‌اندیشیم به عظمت و قدرت خلاقه مدیریت حضرتشان بیشتر پی می‌بریم. اصولاً امام «مصلحت» را به عنوان یک اصل راهبردی در اداره کشور رسمیت و جایگاه قانونی بخشید و از آن رو بود برای گره‌گشایی، پیشبرد امور برای جلوگیری از قفل شدن برخی تصمیم‌ها و قوانین، شورای تشخیص مصلحت نظام را اصالت بخشید. از جمله اساسی‌ترین آرمان‌هایی که یادگار امام تا پایان عمر بر آنان پای می‌فشرد و جزء «هویت اسلامی و انقلابی مردم» ایران می‌دانست «سیاست خدشه‌ناپذیر نه شرقی نه غربی» بود. بر همین مبنا بود که معتقد بود باید مسائل را به مردم صادقانه گفت. اگر می‌خواهیم با عزت زندگی کنیم. حضوری عزتمند و مستقل در جهان داشته باشیم. سیاستی مستقل، اقتصادی اسلامی، فرهنگی اسلامی - ایرانی و کشوری آزاد (از سلطه غرب و شرق)، نظامی متکی بر احکام نورانی اسلام، به تعبیر معمار بزرگ انقلاب، امام خمینی (اسلام ناب محمدی) داشته باشیم، باید تاوان و هزینه سنگین آن را همه پردازیم. اگر قرار است پس از رهایی از سلطه غرب و شرق، قدرتی مستقل در جهان، متکی بر اسلام عزیز برپای بماند، یقیناً خرج دارد. سنگین است. مشکلات دارد. تأکید دارم بر استمرار این استقلال زیرا در سده اخیر در بسیاری از کشورها نهضت و حتی انقلاب صورت گرفته، اما در اثر سوء تدبیر یا ضعف مدیریت یا وابستگی افراد اجرایی یا مجدداً با رنگ و لعاب جدید و نو در همان مسیر پیشین در غلطیده‌اند یا از شانه راست به چپ و از چپ به راست چرخیده‌اند. تأکید یادگار امام بر حفظ آرمان‌ها و شعارهای انقلاب و امام، از این جهت است که در ادامه راه، دچار تزلزل، خستگی یا خودباختگی نشویم. رنگ نازیم، از اصول عدول نکنیم، تطمیع دنیا و زرق و برق آن نشویم، از تهدید آنان که بر کیان و ناموس و ثروت و منافع و ذخایر کشور، مسلط بودند و امروز دستشان

□ به تعبیر یادگار امام اگر واقعاً دچار این توهم نشدیم که بی‌عیب و نقصیم، یا به دیگر سخن خود را برای قبول و پذیرش انتقاد آماده کردیم، برای تعالی خود و جامعه راه درست را در پیش گرفته‌ایم

کوتاه شده است به خود هراس راه ندهیم. خطری که سال‌ها قبل، پیش از همه، یادگار امام ما را نسبت بدان انداز کرد. ما را هشدار داد و متأسفانه به قدری در خود فرورفته بودیم که چندین سال پس از آن انداز، فریاد بیدارگرانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، ما را از خواب غفلت بیدار کرد و آن «تهاجم فرهنگی» یا به تعبیر رهبر خبیر و آگاهمان، «شیخون فرهنگی» بود. به این هشدار یادگار امام برگردیم:

«مردم پشتیبان انقلاب و با فرهنگ اصیل اسلام آشنا هستند و اگر قبول کردند، تا آخر با شما هستند. ما جنگ با آمریکا را مطرح می‌کنیم و از آن طرف مرتب به صورت‌های مختلف وسایل آمریکایی و غربی در بازارها به مردم عرضه می‌شود. جنگ با فرهنگ مبتذل غرب را مطرح می‌کنیم در صورتی که با ابزارهای فرهنگی با آن مبارزه ریشه‌ای نمی‌کنیم.» (همان، ج ۱، ص ۳۵۸)

نکته مهم دیگر در اندیشه‌ها و رهنمودهای یادگار امام برقراری اقتصادی هدفمند و بهره‌مند از ارزش‌های معنوی و الهی در اقتصاد کشور است. در عین حال که باید بر افزایش و گسترش روابط و مبادلات بازرگانی و رقابت تولیدات ملی در عرصه‌های بین‌المللی تأکید داشت. آنچه امروز به تکنولوژی نوین یا فناوری‌های پیشرفته علمی و صنعتی مرسوم است جزء ضرورت‌های انکارناپذیر در نگاه یادگار امام بوده است. اینکه ما مدعی کشوری اسلامی باشیم اما به صرف نگاه به ارزش‌های معنوی دلخوش باشیم. نجات‌بخش نیست. هنر ما این است که در عین پایبندی به اصول انقلاب و در عین خداباوری و توحید، از جهت صنعتی و تکنولوژی پیشرفته نیز، باید حرفی برای گفتن داشته باشیم. در عین حال که نیازهای کشور خود را رفع می‌کنیم، یعنی به خود کفایی

در زمینه‌های گوناگون دست می‌یابیم، لازم است پا را فراتر از کشور بگذاریم، در بازارهای جهانی به رقابت پردازیم. سهمی از اقتصاد جهان را از آن خود بدانیم. مبالغه نیست اگر مدعی شوم در سخنرانی کوتاه اما کاملاً تخصصی یادگار امام، اصول و مبانی اقتصاد، تولید فرهنگ کار و جهت اقتصادی و صنعتی و علمی کشور را در عبارت‌های بسیار کوتاه اما عمیق و اساسی مطرح کرده است. برای رفع هرگونه شبهه تعبیر اساسی بیانات ایشان را در فروردین ۱۳۶۹ در اولین سمینار فرهنگ کار، بیرون می‌کشیم تا دلیلی متقن و مستند باشد بر مدعای ما:

کار جلوه حق تعالی است. (صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۷۲) در فرهنگ اسلامی کار بر محور خدانگری متکی است. / توسعه کار ضامن شکوفایی و استقلال اقتصادی کشور است / احاطه ارزش‌های معنوی و الهی بر اقتصاد کشور / دستیابی به اقتصادی هدفمند و قانونمند / دگرگونی و تحول و توسعه عمیق صنعتی / رسیدن به تکنولوژی پیشرفته به‌عنوان یک هدف محوری، البته متکی بر ارزش‌های معنوی و خدانگری / نگاه واقع‌بینانه به روابط بسیار تنگاتنگ و اجتناب‌ناپذیر به نیازها و احتیاجات انسان‌ها / رسالت انقلابی، دستیابی هرچه سریع‌تر به اقتصادی، پیشرفته و مستقل را حکم می‌کند / برنامه‌ریزی مشخص و کنکاشی همه‌جانبه و پویا برای تحول صنعتی / ارتقای کیفی در تولید / ارتقای سطوح آموزشی و مهارت و تخصص نیروی انسانی / مدرنیزه کردن تکنولوژی / رقابت مطلوب در عرصه صادرات / وجود انگیزه سخت‌کوشی / تلاش و صداقت و تعهد کاری مطلوب نیروی انسانی / حفظ منافع ملی و برتری آن بر منافع شخصی / حذف درگیری‌های غیرمتعارف و بازدارنده در روابط مدیریت و کارگران / توسعه شمول تأمین اجتماعی و بیمه کاری / بازآموزی و افزایش توان فنی کارگران / ایجاد انگیزش و دلبستگی ملی / گسترش روابط و مبادلات بازرگانی / ایجاد رقابت تولیدات ملی در عرصه‌های بین‌المللی / تعادل بین جمعیت و فرصت‌های شغلی / تشکیل مدارس تربیت نیروی انسانی / توسعه تحقیقات به‌خصوص تحقیقات کاربردی / بهره‌وری ضروری و معقول از تجارت کشورهای پیشرفته و گرفتن الگو و مدل‌های لازم از آنان / غفلت از تجلی استقلال اقتصادی کشور گناه نابخشودنی است / نگرشی برادرانه و اصلاحانه و دلسوزانه بین مدیران و کارگران / بسیج نیرو و انرژی‌های نیروی انسانی در جهت



□ «هر کس که در بیان عیب‌ها و نقایص کوتاهی کند، از حقیقت‌گویان مجال ابراز عقیده را خواهد گرفت»

سخت‌کوشی، خلاقیت، ابتکار و نوآوری / همکاری همه‌جانبه رسانه‌ها از جمله صدا و سیمای جمهوری اسلامی در جهت ارتقای فرهنگ کار.

آنچه تاکنون آمد بررسی رئوس مطالب از بیانات آن بزرگوار بود. انصافاً نگاه جامع و گسترده ایشان به اقتصاد کشور آنهم بیش از ۲۰ سال قبل، قابل تحسین است. انصاف باید داد اگر حتی ۵۰٪ این طرح‌ها واقعاً جامه عمل می‌پوشید، یقیناً ما در شرایط اقتصادی برتری بودیم. علاوه بر آن تحولات عظیمی در حوزه صنایع و تکنولوژی کشور بیش از پیش صورت گرفته بود. بی‌انصافی است اگر معتقد باشیم تاکنون در جهت رشد و شکوفایی صنعت و اقتصاد گامی برنداشته‌ایم، یا حرکت رو به جلو نبوده است، یا تلاشی صورت نپذیرفته است. با توجه به اهداف بلند و جایگاه مهم و اساسی و غیرقابل انکار ایران در منطقه، هنوز تا آن خیزش نهایی و آن منزل مقصود فاصله بسیار است. اینک که موج انقلاب شکوهمند اسلامی و تجربه نجات‌بخش مسلمانان ایران، در فروپاشی نظام‌های پوسیده سلطنتی و شاهنشاهی و خلیفه‌ای و قماش‌هایی از این دست، راهگشای منطقه شده است و به ندای بلند امام راحل پاسخ و لیبکی امیدبخش داده شده است و طنین بلند الله‌اکبر سراسر منطقه و کشورهای اسلامی را از افریقا تا کشورهای عربی دربر گرفته است و وجه اشتراک همه شعار توحیدی الله‌اکبر است، وظیفه ما خطیرتر از دیروز است. زیرا کشورهایی که خواهان تغییر نظام‌های پوسیده و درصدد فرو ریختن نظام‌های دیکتاتوری‌هایی چندین ساله‌اند، یقیناً به سراغ تجربه ایران در اداره مملکت بر مبنای احکام اسلام خواهند آمد. روابط نظام کارگری - شیوه‌های مدیریت اسلامی در ساحت‌های مختلف، روابط بین‌الملل، اقتصاد،

فرهنگ، حتی مراکز صنعتی و نظامی و راه‌های رهایی از قید استعمار و شیوه‌های مقابله با ترندهای استکبار جهانی و شناخت موانع و حرکات مذبحخانه استکبار و عوامل آن برای شکست انقلاب، از جمله طراحی کودتا، تفرقه‌افکنی قومی - نژادی، رودررو قرار دادن اقشار مختلف جامعه، صحنه‌های ساختگی از تجزیه کشور، ترورهای کور و حتی آگاهانه شخصیت‌های سیاسی و انقلابی و انفجارهای رعب‌آمیز در مراکز مهم صنعتی و... هر آنچه بر سر ملت آبدیده ایران در این سی سال به قیمت و بهای گزاف و سنگینی به دست آمده است، همه برای کشورهای همسایه که آوای انقلابشان به گوش می‌رسد، می‌تواند بسیار مهم، ارزشمند، گره‌گشا و مفید باشد.

از جمله نکات بسیار مهم و اساسی دیگر، در اندیشه‌های یادگار امام، خطر انقطاع نسلی یا شکاف و فاصله بین نسل‌های اول تا چهارم است. اینکه در اثر مرور زمان نسل‌هایی که شرایط قبل از انقلاب و فضاهای خفقان‌آلود و شکننده روزهای عسرت را درک نکرده‌اند و از سر جان نمی‌دانند این انقلاب به چه قیمتی به دست آمده است و اصلاً چرا انقلاب شده است؟ نگاه و تلقی و اهدافشان با نسل اول و به تعبیری با تابعینی که امام را درک کرده‌اند، زاویه داشته باشد. ناگفته نماند غرب و استکبار جهانی هم بیکار ننشسته‌اند. سال‌ها خرج می‌کنند، برنامه می‌ریزند، آدم تربیت می‌کند، سرمایه‌گذاری می‌کنند بلکه انقلاب و نهضت را از مسیر اصلی و صحیح خود خارج و منحرف کنند. افرادی را در داخل داشته باشند که نگاهشان بدانان باشد. یا حداقل نسبت بدانان خشم انقلابی و معترضانة نداشته باشند. اهل سازش و تسامح و کنار آمدن باشند. از سویی خطر افراطی‌گری در بین نیروهای تند هم آفت است. هنر بزرگ امام جمع بین این دو بود. در حالی که یک سر سوزن از اصول عدول نمی‌کرد اما بقدری بزرگ بود و بلندنظر که این افراد و جناح‌ها و نیروهایی که نیروهای نظام تلقی می‌شدند از پیر و جوان، حوزوی و دانشگاهی به اصطلاح چپ و راست یا تعبیر جدید آن اصلاح‌طلب و اصول‌گرا، همگی را بر خوان نعمت انقلاب اسلامی کنار هم می‌نشاند و هر کس را روزی مقدر تعیین می‌کرد. مادام که در درون نظام بودند و پایبند به اصول و مبانی همه را پدرانہ زیر چتر محبت و ولایت خویش نگه می‌داشت.

یادگار امام یکی از راه‌های جلوگیری یا پیشگیری قبل از درمان را، در این زمینه بازگویی



□ تعریف دقیقی که یادگار امام از جایگاه، شأن، منزلت و نقاط قوت و ضعف روحانیت دارند، واقعاً شگفت‌انگیز است. شگفتی از این جهت است که با وجودی که خودشان در لباس روحانیت بودند، هرگز از بیان حقایق راهگشا، لب فرو ن بستند

حقایق گذشته انقلاب اسلامی می‌داند. اینکه به شیوه‌های گوناگون به نسل‌های فعلی نشان دهیم که ایران در چه شرایطی بود. وضع اقتصادی، فرهنگی و علمی ایران در دوران حکومت پهلوی چه بود و پس از انقلاب چگونه است. غبارزدایی از چهره تاریخ انقلاب اسلامی، راه چاره دیگر، برای جلوگیری از انقطاع نسلی می‌دانند. به این عبارت‌های دقیق و از سر درد دقت شود: «بعد از ورود امام و تشکیل حکومت اسلامی، متأسفانه حجم توطئه‌های دشمنان انقلاب در خارج و کارشکنی‌ها و دشمنی‌های ناشی از حسادت‌ها و حماقت‌ها و مزدوری‌ها در داخل به حدی بود که یاران صدیق امام تمام هم‌شان را ناگزیر صرف خنثی‌سازی توطئه‌ها و حل مشکلات به ارث رسیده از رژیم گذشته کردند و هرگز فرصت آن به‌دست نیامد، تا به بازگویی حقایق گذشته انقلاب اسلامی بپردازند، وقایعی که نظیر آن را تنها در تاریخ سوزناک و مظلومانه علی (ع) شنیده و خوانده‌ایم.

شاید در این زمینه قصور و کوتاهی‌هایی نیز وجود داشته. به هر حال، بر عهده نویسندگان و هنرمندان و مورخان متعهد و دلسوخته انقلاب است که به نحو شایسته‌ای، غبار از چهره تاریخ خونبار انقلاب اسلامی بشویند و خطر انقطاع فرهنگی - نسلی را که می‌بایست پرچمدار ادامه این نهضت مقدس باشد، ولی از نزدیک در جریان حوادث گذشته انقلاب نبوده است، جدی بگیرند.

(مجموعه آثار یادگار امام، ص ۳۱۸)

با مطالعه مجموعه آثار دو جلدی که شامل پیام‌ها، سخنرانی‌ها، نامه‌ها و دست‌نوشته‌های یادگار امام است به خوبی می‌توان به اندیشه‌ها و آراء و نوع نگاه حضرتشان در رابطه با انقلاب،

شناخت زوایایی نو از امام و مواضع ایشان، اشاراتی به دردها، رنج‌ها، غصه‌ها و نگرانی‌های امام و برخی لطایف و ظرایفی که هنوز از زندگی شخصی امام مطرح نشده است، پی برد. به‌خصوص در بیانات نسبتاً جامعی که در تاریخ سوم خرداد ۱۳۶۹ در کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) ایراد فرموده‌اند توقع و تعریف امام از روحانیت و به‌خصوص مجتهدین را اندکی واکاوی کرده‌اند. با مطالعه دقیق این سخنان و بازخوانی پیام‌های دیگر امام، پیرامون نقش و جایگاه روحانیت و مأموریت‌های خطیری که امام برای این قشر معزز تعریف کرده است و رسالتی که به‌خصوص پس از پیروزی به‌عهده آنهاست و نیز بٹ و شکوایی که امام از طیفی از این قشر داشته‌اند و تعریف دقیقی که یادگار امام از جایگاه، شأن، منزلت و نقاط قوت و ضعف روحانیت دارند، واقعاً شگفت‌انگیز است. شگفتی از این جهت است که با وجودی که خودشان در لباس روحانیت بودند، هرگز از بیان حقایق راهگشا، لب فرو نبستند. مهمترین ویژگی‌هایی که یادگار امام برای مجتهد و فقیه با تکیه و استناد به اندیشه‌های شفاف و زلال امام برمی‌شمارند به قرار زیر است:

- ۱- فقیه باید از قدرت و توان و خصوصیت روشن‌کنندگی نظر امام معصوم برخوردار باشد.
- ۲- هر چه فقیه در عمل به نظرات و احکام دریافته موفق‌تر باشد میزان تأسی و تبعیت مردم از او بیشتر است.
- ۳- عدالت بی‌تردید از جمله ویژگی‌های اساسی، ضروری و سرنوشت‌ساز برای قبول شخصیت و آرای فقیه است.
- ۴- ترک هواهای نفسانی و تقوی و ترک دنیا و تعلقات دنیوی و زهد و پروا پیشگی از ارکان اساس تشکیل شخصیت یک فقیه اهل بیت است.
- ۵- از آنجا که فقه شیعه، فقهی پویاست، فقیه باید همه‌جانبه‌نگر باشد. به دیگر زبان جامع باشد. یعنی از اوضاع و احوال جهان و روزگار خویش شناخت کافی داشته باشد.
- ۶- هسته مرکزی اجتهاد را قبول دو اصل مهم زمان و مکان بدانند.
- ۷- همین مهم (تأثیر اصل زمان و مکان) فقیه را متقاعد می‌سازد که از اوضاع سیاسی اجتماعی خود باخبر باشد.

با توجه به اهمیت این دو اصل یادگار امام این ماده (۷) را اندکی وامی کاود: «آشنایی با روش برخورد با حيله‌ها و تزويرهاى فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصيرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتى سياسيون و فرمول‌هاى ديکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند. از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است.» (همان، ص ۳۷۱)

با دقت در این مهم است که به شخصیت و ابعاد وجودی حضرت امام به‌واقع می‌توان پی برد. اگر همین اصل را در تصمیم‌گیری‌های مهم امام پی بگیریم، به‌خوبی درمی‌یابیم که امام با چه بصیرت و هوشمندی خارق‌العاده‌ای، این نهضت و انقلاب را طراحی، مدیریت، هدایت و رهبری کرد. از روزهای تنهایی در قم از نخستین فریاد آن زعيم که با این آیه نورانی و حرکت‌آفرین شروع کرد. «قل انما اعزکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی و فرادی» (سبا/ ۴۶) شروع شد، تا تعریف زلال و شفافى که از قرائت‌های گوناگون از اسلام به‌دست داد. از اسلام محرومان و دردمندان، اسلام مستضعفان که در مجموع از آن به «اسلام ناب محمدی» یاد می‌کرد. تا اسلام مرفهان بی‌درد، اسلام شکم‌سیرها، اسلام غریزده‌ها، اسلام واداده‌ها که از آن به «اسلام آمریکایی» یاد می‌کرد. از روزهای تک‌صدایی او، تا روزهایی که جهانی را به فریاد واداشت. از روزهای غربت مهاجرت ناخواسته و تبعید، تا روزهایی که برای مراجعت به وطن با استقبال بسیار باشکوه، تاریخی و بی‌نظیر مواجه بود. از روزهای فرماندهی جنگ تا روزهای طرح و تأسیس ارگان و سازمان‌ها و ارکان‌ها و نهادهای انقلابی برای اداره بهتر کشور، از روزهای تهمت‌های ناجوانمردانه، برخی عوامل مُزدور شاه و صدام در نجف که خمینی «تارک الصلوة است» تا گلایه‌هایی که از برخی روحانی نمایان متحجر داخلی و برخی روشنفکران خودفروخته و غریزده داشت. از روزهایی در اثر انجماد فکری برخی خشک مغزان، دریچه‌ای را که از باغ معرفت قرآنی (تفسیر سوره حمد) به روی امت خویش گشوده بود، ناخواسته بست و ما از آن سرچشمه زلال و الهی محروم ماندیم و در حسرت ناگفته‌ها و در سفتن آن عارف قرآنی و فقیه صمدانی و سالک ربانی، سیمرخ قاف‌نشین وادی

معرفت آن «مرغ باغ ملکوت» و آن پیر خداشناسِ خداترس، آن نورِ نورِ نور که گاهی از شدت نور، غایب می‌نشست، سر انگشت ندامت می‌گزیم!

۸- پایبندی به فقه سنتی و اجتهاد جواهری. که امام راحل تخلف از آن را جایز نمی‌دانستند. این اصل هم بسیار مهم است بدین معنی که برخی تصورشان این است اگر فقیه عالم به روزگار خویش باشد، یعنی اصول و مبانی و فقه سنتی را رها کند و خدای ناکرده در اثر ساده‌لوحی مثل برخی افراد بی‌ریشه بگوید، دیگر این احکام و شیوه‌های سنتی جوابگوی مسائل پیچیده و متنوع امروز نیست و بدتر از این، مثل هواداران نهضت آزادی بگوید احکام شرعی گره‌گشای مسائل و حکومت نیست! این که کسی بتواند از چهارچوب خارج نشود، در مدار بماند. از همین اصول تبعیت کند و احکام روز را از آن دریای اجتهادی استخراج کند، بر شانه چپ و راست و افراط و تفریط نگلند و همان فقه را پویا، کارآمد، مفید و نجات‌بخش مطرح کند، هنری است که هر کس ندارد. کم نبودند کسانی که به تعبیر عامیانه از آن سوی بام افتادند در دام آرای مدرن یا مدرنیته گرفتار آمدند، به قدری وابسته شدند که حتی در برابر دیروز خویش، ایستادند. آگاهانه یا از سر ضعف نفس، همان کردند که مخالفان می‌خواستند و همان سازی را نواختند که غیر کوک کرده بود.

۹- یک مجتهد باید زیرکی، هوش، فراست و قدرت هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد. علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است، واقعاً مدیر و مدبر باشد. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۹)

۱۰- فقهی که می‌خواهد زمامدار امور مسلمین شود یعنی می‌خواهد فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده نماید. همین که پذیرفت احکام فقهی را در شریان، در رگ‌های حیاتی جامعه جاری نماید، یقیناً پرچمدار حرف و شیوه و نظام و مشی و سیره جدید است همین این اعتقاد و تلقی و قرائت جهان استکبار را با او درگیر می‌سازد. در آن صورت آیا برای پاسخگویی و افشاء و بیان تحلیلی فرهنگ تزویر و توطئه و سیاست‌زدگی قطب‌های جهانی، از بصیرت کافی برخوردار است؟ یا در چنبر توطئه‌ها و ترفندهای سیاست‌بازان و مارهای خوش‌خط و خال گرفتار نمی‌شود؟

آخر کلام و شیوه‌ای که یادگار امام برای پرهیز از دام‌های تزویر بیگانگان، از پیش‌پای فقها و مجتهدان برمی‌شمارد، نخست اینکه «شیعه واقعی علی (علیه‌السلام) باید بود، مانند فقرا زندگی کرد، از تعریف و تمجید ولو ناحق دلش شاد و انتقاد سازنده و درست روحش را کدر کند». یعنی به خود آید. اینها ممکن نمی‌شود مگر اینکه از شعار و شعارزدگی و کارهای تبلیغاتی پرهیزیم و به گفته آن یار همواره امام حضرت حجت الاسلام والمسلمین، حاج احمدآقا باید چنین کرد:

«باید عمل کرد. باید خمینی شد تا کلامت بوی خوش گفتار ائمه اطهار علیهم‌السلام اجمعین را پیدا کند. تا با یک جمله‌ات شرق و غرب بر خود بلرزد. خمینی باید شد تا با یک جمله‌ات تمامی پابره‌نه‌های کشور اسلامیمان بر خیابان‌ها بریزند. خمینی باید شد که به آسانی زهر پذیرش قطعنامه را چون آب سرکشی و مست از گذشت از خویش، یار را در آغوش کشی». (مجموعه آثار یادگار امام، ص ۳۷۶)

روح آن دو عزیز سفر کرده آن پیر و مرشد
آن مراد و مرید در ملکوت اعلی با روح
مطهر اجدادشان مشحور باد.
والسلام



مآخذ:

۱- صحیفه امام. مجموعه آثار امام خمینی دوره ۲۲ جلدی. تدوین و تنظیم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نوبت چاپ اول، پاییز ۱۳۷۸.

۲- مجموعه آثار یادگار امام. دوره ۲ جلدی، حجه‌الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۸۵.